

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم^(۱)

دکتر شاهرخ حکمت*

چکیده

نراقی در سرایش بسیاری از داستان‌های «طاق‌دیس» از داستان‌های «مثنوی» استفاده برده و از آن‌ها نظیره‌سازی کرده است. ترکیبات، اصطلاحات و تعابیر مولانا در مثنوی طاق‌دیس راه یافته و برخی از مصرع‌های مثنوی عیناً و برخی دیگر از مصرع‌های آن با اندکی اختلاف در طاق‌دیس آمده است. محور اصلی تحقیق حاضر، بررسی برخی از این الگوپردازی‌هاست.

واژه‌های کلیدی

حسن نراقی، مولوی، مثنوی سرایی، پیروی.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده با عنوان «شرح مثنوی طاق‌دیس» می‌باشد.
* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

مقدمه

علامه فقیه، حاج ملااحمد نراقی، فرزند حاج ملا محمد مهدی بن ابی ذر، از مجتهدان، عارفان و شاعران شیعه در قرن سیزدهم هجری است. نراقی سال ۱۱۸۵ هـ ق در نراق متولد شد و قسمت عمده تحصیلات خویش را نزد پدرش ملا محمد مهدی (متوفای ۱۲۰۹ هـ ق) که او نیز از فقها، حکما، ریاضی دانان و ادیبان ارزشمند قرن دوازدهم هجری و صاحب تألیفات گرانمایه‌ای است، فراگرفت. سپس، جهت تکمیل تحصیلات، راهی عتبات عالیات شد و در شهرهای مقدس نجف و کربلا، از استادان بزرگ آن عصر، بهره‌ها برد. ملااحمد، پس از اخذ اجازه اجتهاد از استادان خود، در کاشان به مسند تدریس نشست و شاگردان بسیاری از محضر درس او بهره‌مند شدند. نراقی پس از خلق آثار ارزنده و فیض‌بخشی کم‌نظیر در سال ۱۲۴۵ هـ ق در نراق و به واسطه وبای عمومی وفات یافت و پس از نقل جسد شریفش به نجف اشرف در جوار صحن مطهر مرتضوی مدفون گردید.^(۱)

نخستین استاد ارجمند وی، پدر بزرگوارش بوده است. نراقی، علاوه بر استفاده از حوزه درسی والد ماجدش، در محضر علمای برجسته و جلیل‌القدر عراق نیز به تلمذ پرداخت. محصل این شاگردی‌ها آن شد که پس از مدتی توانست حوزه درسی مهمی دایر کند و مرجع استفاده بزرگان گردد. ملااحمد شاگرد استادان بزرگوار شرح ذیل^(۲) است و از آنان «اجازه»^(۳) دریافت کرده است:

۱ - سید اجل متبحر، عالم ربانی، میرزا محمد مهدی شهرستانی.

۲ - دانشمند بزرگ شیعه، آقا سید علی طباطبایی اصفهانی، صاحب «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل».

۱ - در باب زندگی شخصی علامه فقیه، مرحوم ملااحمد نراقی به این مختصر بسنده شد. جهت آگاهی بیشتر به منابع و مآخذی که در پایان مقاله آمده است، رجوع شود.

۲ - مرتضی انصاری. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری. تهران: انتشارات اتحاد، ۱۳۳۹، ص ۱۶۳.

۳ - از اصطلاحات فقهی است و در نزد محدثان، اذن در روایت است؛ بدین معنی که هرگاه شخصی از هر حیث مورد اطمینان باشد به او اجازه داده می‌شود که نقل روایت کند.

برخی از وجوه پیروی ملائی نراق از ملائی روم ۲۹

- ۳ - عالم متقی، فحول علمای دین، آقا محمدباقر وحید بهبهانی.
 - ۴ - سید محمد مهدی بحر العلوم بروجردی الاصل، از مجتهدان بنام شیعه.
 - ۵ - شیخ جعفر کاشف الغطاء، معروف به شیخ اکبر، از بزرگان علمای امامیه، صاحب آثار متعدّد، از جمله: «کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء».
- شاگردانی در حلقه درس ملاّاحمد حضور داشتند که خود در آینده در زمره علمای بزرگ اسلام قرار گرفتند. ملاّاحمد امر تدریس را با دروس سطح حوزه - معالم و مطوّل - آغاز می‌کند و شاگردان بسیاری از محضر درس پرفیض او بهره می‌برند. گذشته از برادر ملاّاحمد (میرزا ابوالقاسم) و پسر ملاّاحمد (ملاّ محمد) پاره‌ای از شاگردان نام‌آور نراقی^(۱) عبارتند از:

- ۱ - حاج شیخ مرتضی انصاری؛
- ۲ - حاج سید محمد شفیع جابلقی؛
- ۳ - حاج سید محمد تقی پشت مشهدی؛
- ۴ - ملاّ محمد علی آرانی کاشانی؛
- ۵ - آقا محمد علی هزار جریبی؛
- ۶ - میرزا حبیب‌الله معروف به میرزا بابا؛
- ۷ - ملاّ محمد حسن جاسبی.

نراقی و صدور حکم جهاد با قوای روسیه و مطالعات فرنگی

در سال ۱۲۴۰ هـ ق که پیمان ایران و روس (معاهده شوم گلستان) از سوی روس‌ها نقض شد، روحانیان که در آن عصر از اقتدار خاصّی برخوردار بودند، در تحریض فتح‌علی شاه قاجار به جنگ، نقش عمده داشتند. در این میان، حاج ملاّاحمد نراقی، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شخصیت‌های علمی بود که در جهاد ملی با قوای متجاوز روسیه، به نحو احسن،

۱ - محمد علی مدرس تبریزی. ریحانة الادب. تهران: انتشارات خیا، جلد پنجم و ششم، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۱۶۰.

همت گماشت. میرزا محمد تقی سپهر (لسان‌الملک) در این باره می‌نویسد: «بالجمله جناب ملا احمد نراقی کاشانی که فحل فضلی ایران بود... و دیگر علمای فقهای ممالک محروسه در یک رساله نگاشتند و خاتم گذاشتند که مجادله و مقاتله با روسیه جهاد فی سبیل الله است و خرد و بزرگ را واجب افتاده است که برای رواج دین مبین و حفظ ثغور مسلمین خویشتن‌داری نکنند و روسیان را از مداخلت در حدود ایران دفع دهند و میرزا بزرگ قائم مقام این مکاتیب را مأخوذ و مرتب کرده، رساله جهادیه نام نهاد.»^(۱) در همین باب، نویسنده ایران‌شناس فرانسوی «ژول بونو» در تاریخ جنگ‌های فتحعلی شاه قاجار با دولت روسیه تزاری می‌نویسد: «حاج ملا احمد نراقی که مرجع تقلید محسوب می‌شد و او را آیت الله می‌خواندند به اتفاق علمای دیگر، فتوای جهاد را صادر کردند. یکی دیگر از رجال دربار فتحعلی شاه که با صدور فرمان جهاد مخالفت می‌کرد، میرزا عبدالوهاب خان ملقب به «معمدالدوله» بود. او به حاجی ملا احمد نراقی گفت: چون شما مرجع تقلید هستید و در همه نفوذ دارید از صدور فتوای جهاد خودداری کنید تا این که دیگران هم به شما تأسی کنند و از صدور فتوای جهاد منصرف شوند ولی حاج ملا احمد نراقی، پیشنهاد معمدالدوله را نپذیرفت و گفت: وقتی کافر بر مسلمان حمله‌ور می‌شود، وظیفه هر مسلمان این است که به جنگ برخیزد و آن قدر با کافر بجنگد تا این که مزاحمت او را از بین ببرد.»^(۲)

دوستی ملا احمد با ابوالحسن یغمای جندقی، شاعر مشهور هم عصر او و شوخی‌ها و مطایباتی که با هم داشته‌اند، بسیار مشهور است. یغمای جندقی صاحب بیت معروف زیر است که به صورت «ضرب‌المثل» در آمده و اغلب مردم آن را از حفظ دارند:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

زمانی که یغما در کاشان اقامت داشت، امام جمعه کاشان یغما را تکفیر کرد، اما ملا احمد به حمایت و پشتیبانی یغما پرداخت و او را تبرئه کرد، یغما غزلی معروف و زیبا دارد که

۱ - محمد تقی سپهر. ناسخ‌التواریخ. تهران: انتشارات امیرکبیر، (جلد نخست تاریخ قاجاریه)، ۱۳۳۷، ص ۱۰۷.

۲ - حسن نراقی. مثنوی طاق‌دیس. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۱۷.

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم ۳۱

اشاره به این قضیه می‌کند و دو بیت آغازین آن به قرار زیر است:

بهار ار باده در ساغر نمی‌کردم چه می‌کردم ز ساغر گر دماغی تر نمی‌کردم چه می‌کردم
ز شیخ شهر جان بردم به تزویر مسلمانی مدارا گر به این کافر نمی‌کردم چه می‌کردم
«از جمله گفته‌اند که زمانی نراقی شعری سروده و برای یغما خواند و از او خواست که
نظرش را پیرامون آن بیان کند؛ شعر نراقی این است:

عاشق ار بر رخ معشوق نگاهی بکند نه چنان است گمانم که گناهی بکند
ما به عاشق نه همین رخصت دیدار دهیم بوسه را نیز دهیم اذن که گاهی بکند
یغما، بعد از شنیدن این قطعه همچنان ساکت بود. نراقی گفت چرا چیزی نمی‌گویی؟ یغما
گفت: منتظر فتوای سومینم.»^(۱)

شوخی دیگر آن است که ملا احمد پس از سرایش منظومه «طاقدیس» از باب احتیاط،
سروده خویش را به یغما سپرد تا او به حکم و اصلاح اثر بپردازد و روی ابیات سست آن خط
بطلان بکشد. یغما پس از مطالعه کتاب یک خط بطلان در ابتدای کتاب کشید و آن را به او
بازگرداند. ملا احمد بعد از دقت و ملاحظه کتاب با کمال تعجب متوجه شد که یغما نسبت به
اصلاح کتاب کاری نکرده است؛ سپس به یغما می‌گوید، معلوم می‌شود شما اصلاً کتاب را
نخوانده‌ای، زیرا من هرچه به دقت «طاقدیس» را مرور کردم، هیچ اصلاحی در آن مشاهده
نکردم. یغما جواب می‌دهد: «ملاحظه فرموده‌اید که خط ترقین در ابتدای کتاب کشیده‌ام و
لازم نبوده است که خط ترقین دیگری کشیده شود.»^(۲)

سه دیگر آن که، یک روز ملا احمد که از رفتار مفتیان و علمای معاصر خویش بر آشفته
بود به یغما گفت: «یغما، اگر اقتدار می‌داشتم این آخوندهای بی‌مذهب، بی‌ایمان... فلان فلان را
در یک روز می‌کشتم و تنها یکی را زنده می‌گذاشتم که اگر حضرت صاحب‌الزمان ظهور کند و از
من مؤاخذه فرماید عرض کنم: این یکی نمونه آنهاست. یغما عرض کرد: «نه آقا همان یکی را هم

۱- علی آل داود. برگزیده اشعار یغمای جندقی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۱۵-۱۴.

۲- علی آل داود. مجموعه آثار یغمای جندقی. تهران: انتشارات توس، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۶۲.

بکشید» نراقی با تفسیر فرمود: «آخر برای تبرئه خودم زنده ماندن یکی از آنها لازم است.» یغما با ملایمت گفت: «خیر آقا لازم نیست، خودتان که خواهید بود.»^(۱)

آثار گرانبهای بسیاری از ملأاحمد نراقی بر جای مانده که دلالت بر فضیلت، تبخر علمی و پرکاری او دارد. از بررسی آثار نراقی چنین بر می آید که بیشتر تألیفات او در زمینه «فقه و اصول» می باشد و طبیعی است که گرایش او به این سمت، حاصل مطالعات و بهره های عمیق وی در این باب است. پاره ای از آثار ملأاحمد نیز تلخیص، شرح و بسط یا تکمیل و حاشیه نویسی آثار ارزشمند پدر خویش است. بر این اساس می توان آثار این علامه سترگ را به شرح زیر تقسیم بندی کرد:

الف) آثار موجود: آن دسته از آثار نراقی که براساس نسخ خطی، مکرراً در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده و موجود می باشد.

ب) آثار مخطوطه: آن دسته از آثار نراقی که به صورت خطی، در نزد اشخاص یا کتابخانه های معتبر کشور، قابل دسترسی است.

ج) آثار مفقود: آن دسته از آثار نراقی است که فقط در کتاب های تذکره نام برده شده و متأسفانه نسخه دست نویس آنها نیز موجود نیست. بنابراین، با توجه به این تقسیم بندی، در ادامه فقط به ذکر نام آثار وی بسنده می کنیم:

- ۱ - عین الاصول؛
- ۲ - اساس الاحکام فی تنقیح عمده مسائل الاصول بالاحکام؛
- ۳ - اسرار الحج؛
- ۴ - الخزائن؛
- ۵ - سیف الامة و برهان الملة فی النبوة؛
- ۶ - شرح تجرید الاصول؛
- ۷ - عوائد الايام فی مهمات ادلة الاحکام؛

۸ - مستند الشیعة فی احکام الشریعة؛

۹ - معراج السعادة؛

۱۰ - مفتاح الاحکام؛

۱۱ - مناهج الاحکام فی اصول الفقه (مناهج الاصول)؛

۱۲ - وسیلة النجاة؛

۱۳ - هداية الشيعة؛

۱۴ - الرسائل و المسائل؛

۱۵ - شرح محصل الهيئة؛

۱۶ - شرح رسالة فی الحساب؛

۱۷ - الرسالة العملية؛

۱۸ - شرح حدیث «جسد المیت و انه یبلی الاطینته»؛

۱۹ - مشکلات العلوم؛

۲۰ - رسالة فی منجزات المریض؛

۲۱ - خلاصة المسائل؛

۲۲ - اجتماع الامر و النهی؛

۲۳ - تذکره الاحباب؛

۲۴ - القضاء و الشهادات؛

۲۵ - حجیة المظنة؛

۲۶ - دیوان شعر فارسی؛

۲۷ - مثنوی طاقدیس. (۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: محمد محسن آقا بزرگ طهرانی. الذریعه الی تصانیف الشیعه. ۲۶ جلد. تهران و نجف: مطبعة القرى نجف، ۱۹۳۵.

درباره مثنوی طاقدیس^(۱)

مثنوی طاقدیس، منظومه ارزشمندی است به سبک و سیاق و طرز و اسلوب «مثنوی مولوی» و شامل: عرفان، حکمت، اخلاق، موعظه و ظرایف ادبی است. این مثنوی، در وزن: فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن (فاعلات) و بحر: رمل مسدس محذوف (مقصور) سروده شده و ده هزار و صد و شصت و یک بیت است.

عمده ابیات مثنوی طاقدیس، قوی، متین، برازنده و مستحکم است؛ به طوری که بی هیچ شک و گمان، برخی از سروده‌های ملای نراق با سروده‌های ملای روم پهلو می‌زند و حتی شناختن آن از ابیات مثنوی مولانا، کاری است بس ظریف و لطیف. به واسطه همین شباهت و قوت لفظ و معناست که مرحوم «ادیب نیشابوری» به اشتباه، ابیاتی از مثنوی طاقدیس را به مثنوی مولوی، نسبت می‌دهد.^(۲) و بر این اساس و بدین مناسبت است که برخی به این اثر «دفتر هفتم مثنوی» لقب داده‌اند.^(۳)

مرحوم نراقی، طرح سرایش این مثنوی را در چهار بخش یا «صُفّه» ریخته بود که تنها به سرودن دو صُفّه توفیق و مجال می‌یابد و دنباله این مثنوی را بر طبق وصیت ملااحمد، فرزند دانشمند و شاعر پیشه‌اش «ملاً محمدجواد» متخلص به «شفایبی» پی می‌گیرد و صُفّه سوم را پس از پدر و در حدود هزار بیت می‌سراید.^(۴)

۱ - طاقدیس: مرگب از طاق و دیس به معنی طاق مانند است. (دیس به معنی شبیه و مانند است) صُفّه حضرت سلیمان(ع)، تیزی پیش عمارت و دیوان پادشاهان را نیز طاقدیس می‌گویند. به تخت خسرو پرویز که از فریدون به وی رسیده بود طاقدیس می‌گفتند. گویند جمیع حالات فلکی و نجومی در آن ظاهر می‌شده و آن سه طبقه بوده و در هر طبقه جمعی از ارکان دولت او جا به جا قرار می‌گرفته‌اند و خسرو پرویز بر آن تخت ملحقّات و تصرّفات کرده بود. طول آن تخت یک صد و هفتاد ذراع و عرض آن یک‌صد و بیست ذراع و مکّلل به جواهر بود. در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» تألیف کریستن سن، رساله ممثعی در باب تخت طاقدیس نوشته است. (ل. ن.)

۲ - مجدالعلی خراسانی. «رفع اشتباه، نبذی از حالات حاج ملااحمد نراقی»، مجله ارمغان، سال هفتم، شماره نهم و دهم، (آذر و دی ۱۳۰۵)، ص ۶۰۲

۳ - بهاء‌الدین خزمشاهی. «مثنوی طاقدیس». مجله نشر دانش، سال چهارم، شماره چهارم، ۱۳۸۰، ص ۶۰۲

۴ - نسخه خطی «مثنوی شفایبی» به شماره ۴۲۰۱ در کتابخانه دانشگاه تهران، جلد سیزدهم فهرست، ص ۳۱۷۸ موجود می‌باشد.

مثنوی طاقدیس، از سال ۱۲۷۱ تا ۱۳۷۴ (ه‌رق) بیش از ده بار در ایران و خارج از ایران (اغلب به شیوه چاپ سنگی) انتشار یافته^(۱) و آخرین تصحیح و طبع آن به همت یکی از احفاد سراینده، مرحوم حسن نراقی^(۲) صورت پذیرفته است. چاپ دوم کتاب مزبور در سال ۱۳۶۲ خورشیدی به همراه منتخبی از غزل‌های ملااحمد، از سلسله انتشارات امیرکبیر در ۴۷۲ صفحه و به قطع وزیری در تهران منتشر شده است.

وجوه پیروی

نراقی در سروده‌های خویش در مثنوی طاقدیس به مثنوی مولانا نظر داشته است. از مطالعه و مقایسه مثنوی شریف مولوی با سروده‌های ملااحمد چنین بر می‌آید که نراقی رویه مولوی را در سرایش اشعار پیش چشم داشته و در بسیاری موارد از آن پیروی کرده است. آنچه در پی خواهد آمد کوشش و کاوشی است در زمینه شناخت پیروی‌های نراقی از مولوی در باب مثنوی‌سرایی. مثنوی مورد استفاده در این پژوهش، مثنوی هفت جلدی به تصحیح و توضیح آقای «محمد استعلامی»^(۳) می‌باشد. نسخه اساس در «مثنوی طاقدیس» به تصحیح مرحوم «حسن نراقی» است که از اعقاب سراینده است.

۱ - قالب: ملااحمد نراقی در طاقدیس به تقلید از حضرت مولانا، قالب مثنوی را برای سرودن داستان‌ها و حکایت‌های طولانی و مفصل خویش مناسب دیده و بر همان سبک و سیاق و طرز و اسلوب در وزن: فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن (فاعلاتن) و بحر: رمل مسدس محذوف^(۴) (مقصود) به سرودن مثنوی طاقدیس پرداخته است.

۱ - خانباها مشار. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. تهران: انتشارات ارژنگ، چاپ دوم، (۵۳-۱۳۵۰)، جلد چهارم، ص ۴۳۷۶.

۲ - برای آشنایی با زندگی‌نامه، تألیفات، تصحیحات و مقالات مرحوم حسن نراقی رجوع شود به: حسن نراقی. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (گنجینه ایران، شماره ۱)، چاپ دوم، ۱۳۷۴. مقدمه، ص ۱۲ - ۹.

۳ - محمد استعلامی. مثنوی. تهران: انتشارات رزاق، ۷ جلد، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۴ - ناصرالدین شاه‌حسینی. شناخت شعر. تهران: نشر هما، ۱۳۶۷، ص ۷۴.

۳۶ □ برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم

۲ - طاقدیس مانند مثنوی با «شنیدن» آغاز می‌شود:

مولوی:

بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند
(ج ۱، ص ۹)

نراقی:

ای رفیقان بشنوید این داستان بشنوید این داستان از راستان
(ص ۲۷)

۳ - نراقی به اقتضای مثنوی و پیشینیان مولوی از جمله عطار و سنایی از شیوه «داستان در داستان» مدد جسته است. به عنوان مثال، ملا احمد در صُفَه اوّل در لابه لای طرح داستان طوطی و شاه، «داستان کودک طماع» (ص ۴۲) را مطرح می‌کند.

۴ - برخی از مصرع‌های مولوی با اندکی اختلاف در «طاقدیس» آمده است:

مولوی:

دیده‌ای باید سبب سوراخ کن تا حُجُب را برکنند از بیخ و بن
(ج ۵، ص ۷۹)

نراقی:

دیده‌ای دارد حُجُب سوراخ کن پرده‌ها را بر درد از بیخ و بن
(ص ۱۴۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال هفتم علوم انسانی

مولوی:

جسم خاک از عشق بر افلاک شد کوه در رقص آمد و چالاک شد
(ج ۱، ص ۱۰)

نراقی:

کوه سرخوش آمد و چالاک شد خاک هم سرگشته چون افلاک شد
(ص ۲۸۵)

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم ۳۷

مولوی:

یک دهان خواهم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشکِ مَلک
(ج ۵، ص ۹۳)

نراقی:

یک دهس خواهم به پهنای جهان یک زبان جاری بود چون عسقلان
(ص ۱۳۸)

۵ - مصراع «این زمان بگذار تا وقت دگر» مولانا در دو بیت جداگانه «طاقدیس» عیناً آورده شده است:

مولوی:

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر
(ج ۱، ص ۱۵)

نراقی:

«این زمان بگذار تا وقت دگر رو بیان کن آن چه بودت در نظر
(ص ۳۲۹)

یک تسمه دارد اما این خبر «این زمان بگذار تا وقت دگر»
(ص ۴۰۶)

۶ - مصراع «محرم این هوش جز بی هوش نیست» مولانا، در یک بیت «طاقدیس» عیناً ذکر شده است:

مولوی:

محرم این هوش جز بی هوش نیست مرزبان را مشتری جز گوش نیست
(ج ۱، ص ۹)

نراقی:

در خور این رازها هر گوش نیست «محرم این هوش جز بی هوش نیست»
(ص ۱۱۴)

۳۸ □ برخی از وجوه پیروی ملّی نراق از ملّی روم

و نیز: مصرع «تا نگرید ابر کی خندد چمن» مولانا، در بیتی دیگر از مثنوی «طاقدیس» عیناً و بدون کم و کاست نقل شده است:

مولوی:

تا نگرید ابر کی خندد چمن تا نگرید طفل کی جوشد لبن
(ج ۵، ص ۱۵)

نراقی:

تا نبرد خار کی روید سمن «تا نگرید ابر کی خندد چمن»
(ص ۳۰۲)

۷- بسیاری از ترکیبات و اصطلاحات و تعبیر مولانا در مثنوی «طاقدیس» راه یافته است که این نکته میباید پیروی نراقی از مولوی است. اینک چند نمونه:

مولوی:

سینه خواهم «شَرَحَه شَرَحَه» از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
(ج ۱، ص ۹)

نراقی:


هست ازین گردن درازی هایشان «شَرَحَه شَرَحَه» گوش جسم و گوش جان
(ص ۳۵۲)

مولوی:

حرف ظرف آمد در او معنی چو آب بحر معنی، عِنْدَه «أَمّ الکتاب»
(ج ۱، ص ۲۲)

نراقی:

شب همه شب گشت مشغول حساب دفتر سرمایه شد «أَمّ الکتاب»
(ص ۳۴۰)

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم  ۳۹

مولوی:

از هوای لقمه‌ای این «خار خار»
از کف لقمان همی جوید خار
(ج ۱، ص ۹۷)

نراقی:

گه بن خاری خزیدی «خار خار»
پای سنگی گه فتادی زار زار
(ص ۳۹۲)

مولوی:

هم بر آن در گرد، کم از سگ مباحش
با سگ کهف ار شدستی «خواجه تاش»
(ج ۳، ص ۲۲)

نراقی:

چون تو کوری و ضریر ای «خواجه تاش»
گو همیشه ظلمت دیجور باش
(ص ۲۳۵)

مولوی:

فاتحه خواند و بسی «لاحول» کرد
فاتحه‌اش در سینه می‌افزود درد
(ج ۶، ص ۱۵۳)

نراقی:

دید آن را روستا حیران بماند
پای آن استاد و صد «لاحول» خواند
(ص ۳۶۳)

مولوی:

«آب خضر» است این نه آب دام و دد
هر چه اندر وی نماید حقّ بود
(ج ۶، ص ۱۴۹)

نراقی:

«آب خضر» و آتش موسی است عشق
لحسن داود و دم عیسی است عشق
(ص ۱۸۲)

۴۰. برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم

مولوی:

آن سیه حیران شد از برهان او می‌دمید از «لامکان» ایمان او
(ج ۳، ص ۱۴۷)

نراقی:

سینه را هست از یمین راهی نهران سوی ملک نور و شهر «لامکان»
(ص ۴۵)

مولوی:

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور در خلایق می‌رود تا «نفخ صور»
(ج ۱، ص ۴۲)

نراقی:

آن اذان و آن اقامه «نفخ صور» آن زجا برخاستن بعث و نشور
(ص ۳۷۵)

۸- نام برخی از اعلام و اشخاص از قبیل پیامبران، پادشاهان، فرشتگان، دانشمندان،... در مثنوی «طاقدیس» آمده که الگوبرداری از «مثنوی» مولاناست. به عنوان نمونه در طاقدیس به شخصیتی به نام «عباس دوس» اشاره می‌شود که دقیقاً نراقی این شخصیت را از دفتر پنجم مثنوی گرفته است. «عباس دُبس» یا «عباس دَؤس» گدای سمجی از قبیله دوس بوده که به دلیل سماجت شهرت یافته و مولانا و شیخ عطار و انوری اشاره‌هایی به او دارند.^(۱)

مولوی:

گفت: خدمت آن که بهر دُلّ نفس خویش را سازی تو چون عباس دُبس
(ج ۵، ص ۱۳۰)

نراقی:

این خریداران گدایان طریق جسملگی عباس دوسند ای رفیق
(ص ۲۴۲)

۱- محمد استعلامی. همان، جلد پنجم، ص ۳۴۴.

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم [۱] ۲۱

نام مکان‌ها، اقوام و ملل نیز همین حکم را دارد. به عنوان مثال مولانا در مثنوی فقط یک بار در دفتر ششم واژه کاش (= کاشان) را به کار برده و ملااحمد نیز دقیقاً یک بار از «کاش» بهره گرفته است؛ بنگرید:

گر عُمَر نامی تو اندر شهر «کاش» کس نه بفروشد به صد دانگت لواش
(ج ۶، ص ۱۴۸)

نراقی:

اندرین ایام اندر شهر «کاش» که نگه دارد خداوند از بلاش
(ص ۲۹۱)

۹ - شروع صُفَه دوم از «طاقدیس» مشابه ابیات آغازین دفتر دوم «مثنوی» است. به نظر می‌رسد برای ملااحمد نیز مانند مولانا میان پایان دفتر اول و آغاز دفتر دوم فاصله و فترتی پیش آمده است. اگر به روایت صاحب مناقب العارفین «در همان روزها همسر حسام‌الدین در گذشته بود، اما کسی که مولانا را می‌شناسد، می‌داند که چشمه‌سار معانی در درون مولانا چنان جوشان است که با مرگ جسم او باز تا ابد در جوشش است و نسیم ملایم یک واقعه از کنار این درخت عظیم می‌گذرد و به آن آسیبی نمی‌رساند و اگر تأخیری پیش آمده، بیشتر از آن وقعه‌هایی است که گاه به هر ذهن فیاض و جوشان دست می‌دهد.»^(۱) اما نراقی علت تأخیر و فاصله ایجاد شده را این می‌داند که باید از حق - تبارک و تعالی - سخن‌آموزی فراگیرد:

مولوی:

مَدَتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد
تا نرزاید بختِ تو فرزندانِ نو خون نگردد شیر شیرین، خوش شنو
(ج ۲، ص ۹)

نراقی:

روزگاری از سخن لب دوختم تا سخن از شاه خود آموختم
مَدَتی بودم چو طفل شیر نوش گنگ و خاموش و سرا پا جمله گوش

۱ - محمد استعلامی. همان، جلد دوم، ص ۱۷۵.

تا زبانم لطف آن شه باز کرد پس سخن در مدح شد آغاز کرد
(ص ۱۸۱)

۱۰ - یکی دیگر از وجوه شباهت نراقی به مولوی، بی‌روایی اوست در بیان داستان‌ها. لطیفه‌ها و طنزها در مثنوی اگر چه در پاره‌ای از قصه‌ها قبیح و مستهجن می‌شود ولی غالباً سیر قصه متضمن نکته‌های لطیف اخلاقی است. «این‌گونه لطیفه‌ها در بعضی موارد متضمن سؤال و جواب‌های ظریف و پر نکته است و در اکثر موارد طرحی که از خلق و سیرت اشخاص قصه در آنها عرضه می‌شود به جهت ایجاز و اجمال فوق‌العاده یا رنگ تند و نمایانی که دارد لطیفه را هم چون امثال سایر درخور نقل مجالس و اقواء می‌سازد.»^(۱)

نراقی نیز با بیان این‌گونه قصه‌های لطیف و صریح، از جمله داستان جوانی که پدرش او را زن داد و او در شب زفاف گریخت (ص ۲۳۲) یا داستان روستایی ساده‌دلی که از دیدن مناره مسجد حیران شد و رندی به او تخم منار فروخت (ص ۳۶۳) یا شهادت خلاف دادن یکی از امامان جماعت که تطمیع شده بود (ص ۳۸۳) ضعف‌ها و خطاهای بشری را بی‌نقاب بیان می‌دارد و سرانجام نتایج اخلاقی از آن حاصل می‌شود.

۱۱ - یکی از شگردهای لفظی مولانا در مثنوی، تکرار واژه‌ها در مصرع دوم است:

مولوی:

سایه خود از سر من بر مدار بی قرارم بی قرارم بی قرار
(ج ۶، ص ۳۴)

نراقی نیز دقیقاً این شگرد را پیروی کرده است. بنگرید:

پای او بندد به صد زنجیر زفت خواجه رفت و خواجه رفت و خواجه رفت
(ص ۲۲۱)

عالمی دیدم ورای جسم و جان لامکان در لامکان در لامکان
(ص ۲۲۱)

گلشنی دیدند افزون از بیان گلستان در گلستان در گلستان

۱ - عبدالحسین زرین‌کوب. بحر در توزه. تهران: انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۸، ص ۳۶۳.

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم ۴۳

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| کاروان در کاروان در کاروان | گه نمایان شد ز هر سو میهمان |
| (ص ۴۰۵) | |
| مات او شو مات او شو مات او | شامه بگشا از پی نفحات او |
| (ص ۴۰۹) | |
| نسیه اندر نسیه اندر نسیه است | جمله کار و بار این عالم که هست |
| (ص ۲۳۱) | |
| الامان و الامان و الامان | جمع آید ای همه همسایگان |
| (ص ۵۸) | |
| می‌گریز و می‌گریز و می‌گریز | چون که رفتی از میانشان ای عزیز |
| (ص ۶۸) | |
| اهرمین در اهرمین در اهرمین | در درون آن دگر دارد وطن |
| (ص ۱۰۱) | |
| هیچ اندر هیچ اندر هیچ را | داد بهر آزمایش جلوه‌ها |
| (ص ۸۲) | |
- ۱۲ - بسیاری از آیات و احادیث به کار رفته در مثنوی مولانا، در مثنوی «طاقدیس» نیز به کار رفته است. نمونه‌وار به یک مورد اشاره می‌شود:
- مولوی:
- | | |
|--|---------------------------------|
| روح را «مِنْ أَمْرِ رَبِّي» مَهْر کرد | باز گرد از رطب و یابس، حق نَوَد |
| (ج ۶، ص ۱۳۳) | |
| از «قُلْ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّ» طلب | روح را خواهی اگر اصل و نسب |
| (نراقی، ص ۱۴۲) | |

مولانا حدیث ذیل را عنوان قرار داده است و نراقی نیز هم:

۴۴ □ برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم

مولوی:

در معنی «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ».

(مولوی، ج ۵، ص ۱۳۳)

نراقی:

در بیان حدیث «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»

(نراقی، ص ۹۵)

۱۳ - نراقی در سرایش بسیاری از داستان‌های «طاق‌دیس» از داستان‌های «مثنوی» مولانا بهره برده و مثنوی را پیش چشم داشته و از آن الگوبرداری و نظیره‌سازی کرده است. به عنوان مثال، می‌توان به این موارد اشاره کرد: قصه طوطی و شاه (ص ۲۹)، تمرد شیطان از سجده آدم (ص ۳۷)، عارفی که شنید مکالمه زن را با شوهر (ص ۱۰۰)، حکایت عبدالمطلب با ابرهه (ص ۱۵۸)، تمه حکایت پیل و ابرهه (ص ۱۶۵)، منع کردن مجنون فصاد را (ص ۱۸۶)، شعیب پیغمبر و گریه او (ص ۲۱۳)، سُجُوحُ قُدُوسِ گفتم جبرئیل (ص ۲۳۹)، حضرت موسی (ع) و ایمان آوردن پیر گبر (ص ۲۴۹)، حضرت خلیل الرحمن (ص ۲۵۷)، قبول کردن آدم، امانت را (ص ۳۰۶)، گلستان شدن آتش برای ابراهیم (ص ۳۲۹)، علاوه بر آن اعلام زیر در داستان‌های طاق‌دیس حضور دارند و بدون استثناء در مثنوی حضرت مولانا نقش آفرین می‌باشند: حضرت یوسف (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت خضر (ع)، حضرت یونس (ع)، حضرت ادریس (ع)، حضرت داود (ع)، آزر، اویس قرن، اسکندر، سلمان، عباس دؤس، نمرود، هاروت و ماروت، زلیخا، جالینوس، فرعون، نمرود، بلعام بن باعور و...

۱۴ - فعل دعایی و نفرینی «مباد» را ملا احمد فقط در یک بیت به تقلید از مولانا به صورت مخفف «مبا» آورده است:

مولوی:

حلال ما این است در فقر و غنا هیچ مهمانی «مبا» مغرور ما
(ج ۱، ص ۱۱۱)

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم ۲۵

نراقی:

سایه بیماری و درد و بلا
از سر عُمال یارب کم «مبا»
(ص ۲۳۹)

۱۵ - تشبیه نفس آدمی به اژدها از سوی نراقی یکسره ذهن را متوجه پیروی او از مولانا می‌کند:
مولوی:

نفس از در او کی مرده است
از غم و بی‌آلتی افسرده است
(ج ۳، ص ۵۳)

نفس از درهاست با صد زور و فن
روی شیخ او را زمرد دیده کن
(ج ۳، ص ۱۲۰)

نراقی:

نفس تو آن اژدهای هفت‌سر
آن دلیل و ره‌نمایت تا سقّر
(ص ۶۴)

۱۶ - مخالفت با زنان که در مثنوی بر اساس حدیث: «شاوروهنَّ وَ خَالِفُوهُنَّ»^(۱) آمده است
دستاویزی است که نراقی نیز به پیروی از مولانا، به مذمت و نکوهش زنان برخیزد و آنان را
ساده‌نگر و سطحی‌بین، نادان و کمند اهریمن تلقی کند.
مولوی:

نفس خود را زن‌شناس از زن بتر
ز آن که زن جزوی است، نفس کُلّ شر
(ج ۲، ص ۱۰۴)

نراقی:

گفت راه چاره کار از زن است
زن کمند محکم اهریمن است
(ص ۳۷۱)

زن نداند جز کلافه چرخ و دوک
کی تواند گفت اسرار ملوک
(ص ۱۰۹)

۱ - بدیع الزمان فروزانفر. احادیث مثنوی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۶، ص ۳۰.

طفل‌های نان خور حق ناشناس وین زنان بی حقوق ناسپاس
(ص ۸۵)

ای دو صد نفرین به زن‌های نکو از زن بدخو نباید گفت وگو
(ص ۶۹)

هیچ مسکین در جهان مهتر مباد هیچ مردی یار یا شوهر مباد
چون که شوهر بر زن خود مهتر است از زنش هر لحظه صد درد سر است
(ص ۳۱۱)

۱۷ - نراقی به تبعیت از مولوی «امثال و حکم» فارسی را در «طاق‌دیس» وارد می‌کند. برخی از این ضرب‌المثل‌ها عیناً از مثنوی مولانا گرفته شده است:
مولوی:

مه فشانند نور و سگ عوعو کند هر کسی بر خلقت خود می‌تند
(ج ۶، ص ۹)

«مه فشانند نور و سگ عوعو کند.»^(۱)

نراقی:

مه فشانند نور اندر آسمان بر فراز قُبّه عزّت روان
می‌کند سگ در زمین و غوغ همی می‌جهد این سو دمی، آن سو دمی
(ص ۳۱۹)

مولوی:

نار خندان باغ را خندان کند صحبت مردانت از مردان کند
(ج ۱، ص ۴۱)

«صحبت مردانت از مردان کند.»^(۲)

۱ - علی اکبر دهخدا، امثال و حکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد چهارم، چاپ نهم، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶۳.

۲ - همان، جلد دوم، ص ۱۰۵۳.

نراقی:

گر روی گرمابه با گر، گر شوی مدّتی با خر نشینی، خر شوی
(ص ۸۹)

مولوی:

هر کسی را بهر کاری ساختند میل آن را در دلش انداختند
(ج ۳، ص ۷۹)

«هرکسی را بهر کاری ساختند.»^(۱) نراقی:

آری آری هر کسی را پیشه‌ای است هر دلی اندر خور اندیشه‌ای است
شغل پالانگر بود پالانگری کی تواند دوخت دیبا یا زری
(ص ۳۹)

فرجام سخن

برخی از وجوه پیروی نراقی از مولوی به این شرح است:
الف) قالب، وزن و بحر «طاقدیس» به طرز «مثنوی» است.
ب) نراقی به اقتضای مولانا از شیوه «داستان در داستان» مدد جسته است.
ج) برخی از مصرع‌های «مثنوی» عیناً و برخی دیگر از مصرع‌های آن با اندکی اختلاف در «طاقدیس» آمده است.
د) بسیاری از ترکیبات و اصطلاحات و تعابیر مولانا در مثنوی «طاقدیس» راه یافته است.
ه) برخی از اعلام و اشخاص از قبیل پیامبران، پادشاهان، فرشتگان، دانشمندان،... در مثنوی «طاقدیس» آمده که الگوپردازی از «مثنوی معنوی» است.
و) نراقی از نظریه‌ی پروایی در بیان داستان‌ها و ذکر شگردهای لفظی و معنوی از مولوی

۱- پیشین، جلد چهارم، ص ۱۹۴۲.

بهره‌ها برده است.

(ز) نراقی در سرایش بسیاری از داستان‌های «طاق‌دیس» از داستان‌های «مثنوی» استفاده برده و از آن‌ها نظیره‌سازی کرده است.

(ح) بسیاری از آیات و احادیث به کار رفته در «مثنوی مولانا» در «مثنوی طاق‌دیس» نیز به کار رفته است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آقا بزرگی طهرانی، محمدحسن. الذریعه الی تصانیف الشیعه. تهران و نجف: مطبعه القرى نجف، ۱۹۳۵.۷۷ م.
- ۳- آل داود، علی. برگزیده آثار یغمای جندقی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۴- ابادری، عبدالرحیم. ملامهدی نراقی، منادی جندقی. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۵- ابن‌الرضا، ابوالفضل. تراجم الرجال. بی‌جا: انتشارات اتحاد، جلد اول، بی‌تا.
- ۶- استعلامی، محمد. مثنوی. تهران: انتشارات زوّار، ۷ جلد، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۷- انصاری، مرتضی. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری. تهران: انتشارات اتحاد، ۱۳۳۹.
- ۸- براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر. ترجمه بهرام مقدادی. تهران: انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- ۹- تنکابنی، محمد. قصص العلماء. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، چاپ دوم، ۱۳۴۱.

برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم

- ۱۰- حقیقت، عبدالرفیع. تاریخ نهضت‌های نکری ایرانیان در دوره قاجاریه. تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، بخش اول، ۱۳۶۸.
- ۱۱- حقیقت، عبدالرفیع. فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز. تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸.
- ۱۲- حکمت، شاهرخ. «آفرین بر دست و بر بازوی عشق»، فصلنامه راه دانش، سال اول، ش ۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۴.
- ۱۳- حکمت، شاهرخ. گزیده مثنوی طاق‌دیس. اراک: انتشارات انجمن فرهنگی - هنری استان مرکزی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۱۴- خانلری، زهرا. فرهنگ و ادبیات فارسی دری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ۱۵- خراسانی، مجدالعلی. «رفع اشتباه، نبذی از حالات حاج ملااحمد نراقی»، مجله ارمغان، سال ۷، ش ۹۱۰، آذر و دی ۱۳۰۵.
- ۱۶- خرمشاهی، بهاء‌الدین. «مثنوی طاق‌دیس»، مجله نشر دانش، سال چهارم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۸۰.
- ۱۷- خوانساری اصفهانی، محمدباقر. روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات. ترجمه محمدباقر ساعدی خوانساری. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، جلد اول، ۱۳۵۶.
- ۱۸- دهخدا، علی‌اکبر. امثال و حکم. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، (۴ ج)، ۱۳۷۶.
- ۱۹- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، جلد اول، ۱۳۷۲.
- ۲۰- زرین‌کوب، عبدالحسین. بحر در کوزه. تهران: انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۲۱- زرین‌کوب، عبدالحسین. دنباله جستجو در تصوّف ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۲۲- سپهر، محمدتقی. ناسخ‌التواریخ. تهران: انتشارات امیرکبیر، (جلد نخست تاریخ قاجاریه)، ۱۳۳۷.
- ۲۳- شاه‌حسینی، ناصرالدین. شناخت شعر. تهران: انتشارات هما، ۱۳۶۷.
- ۲۴- صدیق، عیسی. سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۲. ۲۵- فروزانفر، بدیع‌الزمان. احادیث مثنوی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- ۲۵- قمی، عباس. فوائد الرضویّه فی احوال علماء المذهب الجعفریّه. تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی، نیمه اول، ۱۳۲۷.

۵۰. برخی از وجوه پیروی ملای نراق از ملای روم

- ۲۶- کاظمی موسوی، احمد. «زندگی و نقش فقهاتی ملااحمد نراقی»، مجله نشر دانش، سال چهارم، ش سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۳.
- ۲۷- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم. تاریخ کاشان. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، چاپ دوم، ۱۳۴۱.
- ۲۸- مدرّس تبریزی، محمدعلی. ریحانة الادب. تهران: انتشارات خیام، جلد پنجم و ششم، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۲۹- مشار، خانابا. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. تهران: انتشارات ارزنگ، چاپ دوم، ۵۳-۱۳۵۰.
- ۳۰- نراقی، حسن. «آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز»، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، گنجینه ایران، شماره ۱، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۳۱- نراقی، حسن. مثنوی طاق‌دیس. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- ۳۲- نراقی، حسن. «یادداشت‌هایی درباره مقاله زندگی و نقش فقهاتی ملااحمد نراقی»، مجله نشر دانش، سال چهارم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۳.
- ۳۳- هدایت، رضاقلی. مجمع الفصحاء. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد دوم، (بخش ۲)، ۱۳۴۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی